ISSN: 1973-2873; Philosophical Thought. 2021;1(3):185-194.

Effect of Propositions Division into Actuality, Mental and Factual on the Conditions of Some Syllogisms; Based on the Opinion of Contemporaries

ARTICLE INFO

Article Type
Original Research

Authors
Darabi A.R.*
Iranian Institute of Philosophy, Tehran, Iran

How to cite this article
Darabi A R. Effect of Propositions Division into Actuality, Mental and Factual on the Conditions of Some Syllogisms; Based on the Opinion of Contemporaries. Philosophical Thought. 2021;1(3):185-194.

Correspondence
Address: Iranian Institute of Philosophy, No. 6, Araklyan St., Neauphle-le-Château St, Tehran, Iran. Postal code: 1133614816
Phone: +98 (21) 67238000
Fax: +98 (21) 67238000
darabi@irip.ac.ir

Article History
Received: April 1, 2021
Accepted: July 15, 2021
ePublished: February 6, 2022

ABSTRACT

Throughout the texts of contemporary logicians, it has been explicitly or implicitly stated that the division of propositions into actuality, mental and factual, has no effect on logical syllogisms. In the following text, first, by analyzing the opinions of contemporaries on the division of propositions into actuality, mental and factual, the differences and similarities of the opinions in this regard have been identified. Then we examine the position of the conditional's quantifier and its effect on the conditions of conditional-categorical syllogisms (conjunctive or exceptive) in the opinions of contemporary logicians. In the final step and based on the conditions of conditional-categorical syllogisms (conjunctive or exceptive), we have shown that some of the moods that most contemporaries have declared to be valid have counter-examples, and only with the factual of the categorical premises in all situations and for all samples will result.

Keywords Factual Proposition; Actuality Proposition; Exceptive Syllogism; Conditional-Categorical Conjunctive Syllogism

CITATION LINKS

[Darabi A; 2010] An analysis of cogent conditional quantifier based upon modern logic [Darabi A; 2021] Conditional-predicative conjunctive syllogisms and division of propositions into actuality, mental and factual [Ejeii M; 1987] Conditional propositions and their truth and falsehood [Ejeii M; 1998] The elements of logic [Fallahi A; 2012] Al-Khunaji on the conversion of the verity propositions [Fallahi A; 2013] Avicenna's views on the deduction from two possible propositions and their relation with two definitions of verity- and actuality- propositions [Faramarz Gharamaleki A; 1994] Logic 1 [Faramarz Gharamaleki A; 1995] Logic 2 [Faramarz Gharamaleki A, Ebadi A; 2010] Historical development of triadic propositions [Gharavian M; 2010] Teaching logic [Hakkak M; 2007] Logic: criterion of thinking [Helli H; 2012] Al-Jawhar al-Nażid [Hodjati M, et al; 2015] A critical examination of the six views on inference conditions of exceptive syllogism in Avicennian logic (with emphasis on connected conditional) [Ibn Sīnā; 2017] Al-Išārāt wa-t-Tanbīhāt [Izadi M, Darabi A; 2011] A Critical pondering in using second-order quantifier in analyzing cogent conditional [Khansari M; 2011] Formal logic [Kurdi M; 2002] Factual, actuality, and mental propositions [Malikshahi H; 1988] Translation and commentary of Išārāt wa- Tanbīhāt [Meshkat Aldini A; 1981] New logic [Montazeri Moghaddam M; 2016/a] An introduction to logic [Montazeri Moghaddam M; 2016/b] Knowledge of logic [Motahari M; 2014] Collection of works [Movahed Z; 1993] The Ibn-Sina's theory of the conditional syllogism [Muzaffar M; 2012] Logic [Rahmani G; 2009] Teaching logic [Rāzī M; 2005] Tahrir al-Qawā'id al-Mantiqiyya fi Sharh al-Risāla al-Shamsiyya [Shahabi M; 1989] Wisdom leader [Shirvani A; 2012] Introduction to logic [Soleymani Amiri A; 1999] Nature of universality and necessity [Soleymani Amiri A; 2011] Knowledge criterion [Soleymani Amiri A; 2012] Knowledge criterion [Soleymani Amiri A; 2014] Sadrain logic [Tusi M; 1988] Asās al-Eqtibās

Copyright© 2021, the Authors | Publishing Rights, ASPI. This open-access article is published under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the Attribution-NonCommercial terms.

نوع مقاله: پژوهشی اصیل

تاثیر تقسیم‌بندی قضایا به خارجیه، ذهنیه و حقیقیه بر شرایط برخی از قیاس‌ها؛ بر مبنای نظر معاصران

علی‌رضا دارابی
موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، تهران، ایران

چکیده
در سراسر متون منطق‌دانان معاصر، این نکته به صراحت یا به صورت ضمنی بیان شده است که تقسیم‌بندی قضایا به خارجیه، ذهنیه و حقیقیه هیچ تأثیری بر قیاس‌های منطقی ندارد. در متن پیش رو، ابتدا با تحلیل آراء معاصرین در باب تقسیم‌بندی قضایا به خارجیه، ذهنیه و حقیقه، تفاوت‌ها و شباهت‌های نظرات موجود در این باب مشخص شده است؛ سپس به بررسی جایگاه سور شرطی و تاثیر آن بر شرایط قیاس‌های (اقترانی یا استثنائی) شرطی-حملی در آراء منطق‌دانان معاصر می پردازیم. در قدم نهایی و بر پایه شرایط ذکرشده برای قیاس‌های (اقترانی یا استثنائی) شرطی-حملی، نشان داده‌ایم که برخی از ضروبی که اغلب معاصران آنها را منتج اعلام کرده‌اند دارای مثال‌های نقض بوده و تنها با حقیقیه‌بودن مقدمه حملی در همه وضعیت‌ها و برای همه نمونه‌ها منتج خواهند بود.

کلیدواژگان: قضیه حقیقیه، قضیه خارجیه، قیاس استثنائی، قیاس اقترانی شرطی-حملی

***نویسنده مسئول: darabi@irip.ac.ir**
آدرس مکاتبه: تهران، خیابان نوفل لوشاتو، موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران
تلفن: ۰۲۱۶۷۲۳۸۰۰۰ ؛ **فکس:** ۰۲۱۶۷۲۳۸۰۰۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۲
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۲۴
تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۱۱/۱۷

مقدمه

در ساختار معمول آموزش منطق سنتی، اغلب این‌گونه القاء می‌شود که منطق، دانشی قطعی و بی‌خطاست که در آن اختلاف راهی نمی‌یابد. به هر روی، چگونه در ابزاری که خود مرجع داوری دیگر معرفت‌های بشری است و خطاهای ذهن را بازنمایی می‌کند، خطا راه پیدا کند؟ یکی از نتایج چنین نگاهی، کاهش رویکردهای انتقادی به مباحث موجود در منطق به ویژه در بحث‌های مربوط به قواعد منطقی است. همچنین از آنجا که ابزارهای زبانی موجود در سنت منطق قدیم محدود است، بسیاری در این سنت از بررسی پیچیدگی‌های قیاس‌های مختلف پرهیز می‌کنند. در مجموع در دوران معاصر، پویایی موجود در مباحث فلسفی چندان راهی به منطق سنتی نیافته و تنها در پاره‌ای از بخش‌های منطق سینوی که به مباحث فلسفه یا اصول فقه نزدیک‌تر هستند، گفتگو، بحث، نقد و اختلافات راه دارد و در بقیه موارد بیش و کم، تکرار مباحث گذشتگان در آثار معاصران بازتاب می‌یابد. برای نمونه گرچه بحث درباره قضایای خارجیه، ذهنیه و حقیقه، بحثی پربار و زنده است، اما بازتابی در قیاس‌های و استدلال‌های مباشر در مباحث معاصر منطق سنتی نمی‌یابد، خطایی که در متن حاضر بدان خواهیم پرداخت.

تقسیم‌بندی قضایای حملی به خارجیه، ذهنیه و حقیقیه با همه پیچیدگی‌های آن، محصولی در سنت منطق سینوی است [Kurdi, 2002: 31; Faramarz Gharamaleki & Ebadi, 2008: 4]. محصولی که علی‌رغم همه اختلافات و نقدها در تاریخ منطق، در سنت معاصر منطق سینوی مورد پذیرش و اقبال عمومی قرار گرفته است. پیش از این و در چند مقاله پژوهشگران معاصر منطق، نشان داده شده است که توجه به این تقسیم‌بندی برای حل پاره‌ای از اختلافات سنتی در باب قیاس‌های سنت منطق سینوی ضروری است و تنها در صورت

صورت‌بندی جملات حملی به شکل حقیقیه، می‌توان به درک دقیق و سازگاری از آراء ابن‌سینا دست یافت [Fallahi, 2013; Darabi, 2021]. بر پایه این نظرات، جملات حملی در منطق ابن‌سینا باید به صورت حقیقه درک شوند. همچنین تفاوت بین جملات خارجیه و حقیقه در صورت‌بندی این جملات موثر بوده و به ناچار باید در بررسی قیاس‌ها و استدلال‌های مباشر، این تفاوت در نظر گرفته شود. البته باید توجه داشت که گرچه این بیان در دوره معاصر، جدید به‌نظر می‌رسد و با آراء قریب به اتفاق نویسندگان و اساتید سنت منطق سینوی در این دوران ناسازگار است، اما در تاریخ منطق سینوی بی‌سابقه نیست[۱].

چنان که گفته شد، بحث تاثیر تقسیم‌بندی قضایا به خارجیه، حقیقیه و ذهنیه بر قیاس‌های منطقی تاکنون در محدوده آثار ابن‌سینا و با تکیه بر نظرات او ارائه شده است، اما با توجه به تغییراتی که در سنت منطقی پس از ابن‌سینا پدید آمده است، طرح این پرسش مجاز به‌نظر می‌رسد که تا چه حد پذیرش عام تقسیم‌بندی مورد بحث، باعث ایجاد تعارض در آراء معاصرین شده است. در متن حاضر برآنیم با بررسی متون مؤلفان معاصر کتب منطقی، نشان دهیم که عدم توجه به آثار تقسیم‌بندی قضایا به حقیقه، خارجیه و ذهنیه خطاهایی در قیاس‌های منطقی ارائه‌شده در آثار آنان ایجاد نموده است و بر این اساس، بازنویسی و بازسازی دقیق این بخش از منطق با توجه به تقسیم‌بندی ذکرشده ضروری به‌نظر می‌رسد. در مسیر پیش رو، ابتدا تصویری کلی از آراء موجود در باب تقسیم‌بندی قضایای حقیقیه، خارجیه و ذهنیه نزد معاصرین ارائه خواهیم داد. سپس با بررسی برخی از قواعد و قیاس‌های منطقی نشان می‌دهیم که این تقسیم‌بندی در شرایط اعتبار آنها موثر خواهد بود.

تقسیم‌بندی قضایا به خارجیه، ذهنیه و حقیقیه از نگاه معاصران

آموزش منطق سینوی در ایران وضعیتی دوگانه دارد. از سویی برخی با تاکید بر شیوه‌های جدید آموزشی تلاش می‌کنند با تألیف کتب درسی جدید، تصویری کاربردی‌تر را از منطق سینوی ارائه دهند و از سوی دیگر، فرآیند آموزش به کتبی قدیمی و البته مهم در تاریخ منطق سینوی ختم می‌شود. بر این اساس، پس از کتاب‌های جدید آموزش منطق، کتاب‌هایی چون *اشارات و تنبیهات* ابن‌سینا، *جوهرالنضید* علامه حلی، *شرح شمسیه* قطب رازی و غیره نیز تدریس می‌شود. گرچه در این شیوه تدریس، مدرسان آشنا به جزئیات علمی بر پاره‌ای اختلافات تأکید می‌کنند، اما ممکن است که نگاه تاریخی و تطور مفاهیم و قواعد در سنت منطق سینوی مغفول بماند و شاید این یکی از دلائلی است که آثار تقسیم‌بندی قضایا به خارجیه، حقیقه و ذهنیه در قواعد و قیاس‌های منطق از چشم محققان این حوزه دور مانده است.

در میان متفکران پیشین مسلمان که متون آن‌ها به عنوان متنی مرجع و آموزشی استفاده می‌شود، در باب پذیرش تقسیم قضایای به حقیقه، خارجیه و ذهنیه اختلاف‌نظر وجود دارد. برخی تنها به قضایای حقیقیه توجه دارند؛ برای نمونه، ابن‌سینا در کتاب *اشارات* به گونه‌ای ایجاب را در قضایای حملی معرفی می‌نماید که دلالت بر حقیقیه‌بودن این قضایا نزد او دارد [Ibn Sīnā, 2017: 16] و علامه حلی نیز در کتاب *جوهرالنضید* به شکلی سور قضایای حملی را معرفی می‌کند که تنها با حقیقیه‌بودن این قضایا هماهنگ است [Ḥelli, 2012: 97]. در عین حال در پاره‌ای از کتاب‌های منطقی گذشتگان که هنوز برای آموزش منطقی استفاده می‌شوند، این تقسیم‌بندی مورد پذیرش قرار گرفته و به آن اشاره می‌شود [Rāzī, 2005: 245]. علی‌رغم اختلافی که گذشتگان در باب پذیرش یا عدم پذیرش این تقسیم‌بندی دارند، قریب به اتفاق معاصرین، آن را به دیده قبول نگاه می‌کنند؛ گرچه در باب چیستی و محدوده آن اتفاق‌نظری وجود ندارد[۲]. باید دانست که حتی پس از پذیرش

تقسیم‌بندی قضایا به حقیقیه، خارجیه (و ذهنیه) در باب ماهیت آن در میان قدما اختلاف وجود داشته است [Faramarz Gharamaleki & Ebadi, 2008]. ردپای این اختلافات و بیش از آن را می‌توان در آثار منطق‌دانان معاصر نیز دید.

در این تقسیم‌بندی نه مقسم و نه تعداد اقسام مورد توافق نیست. قریب به اتفاق معاصرین، تقسیم‌بندی مورد بحث را دارای سه قسم حقیقه، خارجیه و ذهنیه می‌دانند؛ با این همه، تقسیم‌بندی دو بخشی خارجیه، حقیقه نیز در آراء آنان دیده می‌شود [Faramarz Gharamaleki, 1994; Soleymani Amiri, 1999].[۳] درباب مقسم این تقسیم‌بندی نیز بیان‌های متفاوتی وجود دارد. برخی قضیه حملی را به عنوان مقسم ذکر می‌کنند [Meshkat Aldini, 1984: 273; Malikshahi, 1988: 313; Shahabi, 1989: 161; Khansari, 2011: 139; Hakkak, 2007: 111; Rahmani, 2009: 228] و برخی دیگر قضیه حملی موجبه را به عنوان مقسم بیان می‌کنند [Muzaffar, 2012: 187; Gharavian, 2010: 73; Shirvani, 2012: 71]. برخی نیز از امکان بسط این تقسیم‌بندی به شرطی‌ها سخن می‌گویند [Motahari, 2014: 597][۴]. گرچه اکثر معاصرین این تقسیم‌بندی را به شیوه یکسانی معرفی کرده‌اند، اما اختلافاتی نیز در باب تحلیل چیستی قضایای حقیقیه، خارجیه و ذهنیه در آثار آن‌ها دیده می‌شود. در این میان تردیدی نیست که حکم در قضایای حقیقیه شامل افرادی مفروض و مقدر می‌گردد که در قضایای خارجیه نیست. برای آنچه مقصود ما در این متن است، همین عام‌بودن حکم در حقیقیه نسبت به خارجیه کافی است.

اکنون باید قدم دیگری برداریم و سور در شرطی‌ها را بررسی کنیم.

سور شرطی

از زمان ابن‌سینا تغییری در درک کلی منطق‌دانان سینوی از شرطی شکل گرفته است که به صورتی پایدار تاکنون باقی مانده است؛ ابن‌سینا شرطی مناسب در منطق را مسور اعلام می‌کند. سور شرطی‌ها شامل احوال، اوضاع و زمان‌ها می‌گردد. به این ترتیب شرطی‌ها به سه دسته شخصیه، محصوره و مهمله تقسیم می‌شوند. اغلب معاصرین این تقسیم‌بندی را پذیرفته‌اند یا می‌توان به نشانه‌هایی از همدلی با آن در آثار آنها دست یافت.

معاصرین چند رویکرد را در باب شرطی مسور در پیش گرفته‌اند. برخی به صورت کامل شرطی مسور و قیاس‌های مربوط به آن را توضیح داده‌اند [Muzaffar, 2012; Hakkak, 2007: 138] و برخی در کنار معرفی شرطی به صورت مسور، تنها به بررسی قیاس‌های استثنایی بسنده کرده‌اند [Gharavian, 2010]. در معرفی قیاس‌های استثنایی و شرایط انتاج آن نیز رویکردهای متفاوتی وجود دارد، برخی شرایط ناشی از سور شرطی را بیان کرده‌اند [Shirvani, 2012] و برخی از کنار آن گذشته‌اند [Khansari, 2011]. معدودی نیز شرطی را در همه بخش‌های منطق به صورت غیر مسور معرفی نموده‌اند [Ejeii, 1998; Montazeri Moghaddam, 2016].

تردیدی نیست که در سنت منطق سینوی سور شرطی‌ها کاملاً پذیرفته شده است. البته قابل انکار نیست که در این سنت به قیاس‌های شرطی انتقاداتی وارد شده است و بحث‌های مختلفی در باب قواعد ناشی از شرطی مسور در این سنت شکل گرفته است؛ اما لزوم سوردارِبودن شرطی زیر سئوال نرفته است. البته در مواردی در متون مختصر منطقی، گاهی شرطی بدون اشاره به سور معرفی شده است، اما این به هیچ وجه به معنی انکار ضرورت سور در شرطی‌ها نبوده است. این مطلب در میان معاصران نیز ادامه یافته است[۵]؛ برای نمونه، محمود

منتظری‌مقدم در کتاب مقدماتی *درآمدی به منطق* اشاره‌ای به سور شرطی ندارد [Montazeri Moghaddam, 2016]. اما در کتاب جامع‌تری که بعدها تالیف نموده است، شرطی مسور را معرفی کرده و از آن استفاده می‌نماید [Montazeri Moghaddam, 2019]. به عبارتی، نیاز به روایتی ساده و سهل از شرطی‌ها به حذف سور شرطی انجامیده است، بدون آنکه به معنی انکار سور شرطی باشد. البته مورد دیگری که به حذف سور شرطی در برخی از متون معاصر انجامیده است، تاثیرپذیری از سنت منطق جدید است. برای نمونه، محمدعلی اژه‌ای در کتاب *مبانی منطق* به صورتی مشخص نمادهای منطق جدید را برای معرفی شرطی به‌کار گرفته و در کنار آن از اشاره به شرطی مسور صرف نظر کرده است [Ejeii, 1998]. هیچ اشاره صریحی در متن اژه‌ای وجود ندارد که دلالت بر نقد معرفی شرطی مسور باشد؛ شیوه‌ای که او در مقالات خود نیز دنبال کرده است [Ejeii, 1987]. دشوار بتوان این شیوه را در درون سنت منطق سینوی قرار داد. به‌نظر می‌آید که تلاش اژه‌ای بازتالیف کارآمدتر سنت منطق سینوی با نظر به آراء جدید منطقی است. بهره‌گیری از دوایر ون در بحث از قیاس‌های منطقی در این کتاب نشانه دیگری در این باب است. در این میان لازم است که به‌نظر خاص فرامرز قراملکی در کتاب *منطق ۱* نیز اشاره نماییم. او در این کتاب مدعی است که درباره سور شرطی اختلاف نظرهایی وجود دارد [Faramarz Gharamaleki, 1994: 158]. به‌نظر می‌آید که این سخنان او را نباید در درون سنت منطق سینوی درک نمود. احتمالاً ادعای قراملکی درباره اختلاف در مورد سور شرطی اشاره به مقاله‌ای از ضیاء موحد دارد [Movahed, 1993]. *موحد* در این مقاله از پایگاه سنت منطق جدید به نقد سور شرطی پرداخته است. جالب آنکه فرامرز قراملکی خود در معرفی شرایط قیاس استثنایی به نحوی شرطی مسور را به‌کار گرفته است [Faramarz Gharamaleki, 1995: 22].

لازم به ذکر است که در باب چیستی احوال در سور شرطی‌ها، مطلبی (حتی در مبسوط‌ترین کتب معاصرین) دیده نمی‌شود و بدون شرحی مجزا، تنها نامی از آن برده می‌شود. به ناچار در طلب این دقت باید آراء گذشتگان را بکاویم. شرح حالت در کتب منطق‌دانان متاخر تقریباً مشابه است، برای نمونه نصیرالدین طوسی در این باب چنین می‌گوید:

> ... و اما در شرطیات گوییم ایجاب کلّي در متّصلة لزومیه آنگاه ثابت بود که در همه اوقات و احوال که عارض و لاحق مقدم تواند بود، وضع مقدم مستلزم وضع تالی بود. اما اوقات ظاهر است و اما احوال چنان بود که بر موضوع مقدم، محمولات دیگر حمل کنند حق یا باطل و یا قضایای دیگر با مقدم وضع کنند، صادق یا کاذب، به شرط آنکه وضع مقدم مقارن آن احوال ممکن بود فی نفس‌الامر یا به حسب تصور متصوری، استلزام تالی در جمله احوال، حاصل بود" [Tusi, 1988: 93-94].

قیاس‌هایی با مقدمه‌ای شرطی و مقدمه‌ای حملی

برای آنکه نشان دهیم که خوانش معاصر از تقسیم‌بندی قضایا به حقیقیه، خارجیه و ذهنیه با پاره‌ای از قیاس‌های بیان‌شده در سنت منطقی سازگار نیست، به بررسی قیاس‌هایی با مقدمه‌ای شرطی و مقدمه‌ای حملی می‌پردازیم[۱]. در سنت منطق سینوی برخی از قیاس‌های با مقدمه‌ای شرطی و مقدمه‌ای حملی با عنوان قیاس‌های استثنایی شناخته می‌شوند و برخی در زمره قیاس‌های اقترانی قرار می‌گیرند.

قیاس‌های استثنائی

پاره‌ای از شرایط قیاس استثنایی مرتبط با سور شرطی و برخی بی‌ارتباط با آن است. در میان معاصرین در باب شرایط قیاس استثنایی مرتبط با سور شرطی سه رویکرد متفاوت دیده می‌شود. ۱) برخی از معاصران بدون توجه به سور شرطی، شرایط انتاج قیاس استثنائی را بیان نموده‌اند [Khansari, 2011: 335]؛ ۲) برخی کلیت شرطی [Faramarz Gharamaleki, 1995: 22] و ۳) برخی دیگر کلیت شرطی یا مقدمه حملی را معیار انتاج قیاس استثنائی دانسته‌اند [Muzaffar, 2012: 329; Meshkat Aldini, 1981: 535; Shahabi, 1989: 325].

به‌نظر می‌آید که حذف سور از شرایط قیاس استثنایی را نمی‌توان به‌عنوان پذیرش شرطی بدون سور دانست. این شیوه در متون منطق‌دانان سینوی متقدم نیز دیده می‌شود و در همه موارد، تنها ساده‌سازی این قیاس مطرح بوده است و نه نفی سور شرطی. در هیچ یک از این متون و نه متون معاصری که در سنت منطق قدیم نگاشته شده‌اند، نقدی بر شرطی مسور دیده نمی‌شود.

معرفی کلی‌بودن شرطی یا استثنا به عنوان شرایط قیاس استثنایی در کتاب‌های بسیاری از معاصرین دیده می‌شود، امری که نشان خواهیم داد با تقسیم‌بندی قضایا به خارجیه، ذهنیه و حقیقیه سازگار نیست.

قیاس اقترانی با مقدمه‌ای شرطی و مقدمه‌ای حملی[۲]

برخی از قیاس‌های اقترانی مقدمه‌ای شرطی و مقدمه‌ای حملی دارند. البته می‌توان ترکیب‌های بسیار پیچیده‌ای را تصور نمود که قیاسی از مقدمه‌ای شرطی و مقدمه‌ای حملی تشکیل‌شده باشد، اما معمولاً ساختاری خاص برای این‌گونه از قیاس‌ها معرفی می‌شود. در این‌گونه از قیاس‌ها مقدم یا تالی شرطی یک قضیه حملی است و موضوع یا محمول این قضیه حملی نقش حد وسط را در قیاس بازی می‌کند. بر این اساس دو گونه قیاس قابل تفکیک است: ۱) قیاسی که در آن حد وسط در مقدم شرطی قرار دارد و ۲) قیاسی که در آن حد وسط در تالی شرطی قرار دارد.

قیاس‌هایی که حد وسط در مقدم شرطی قرار دارد، دشوار هستند و کمتر مورد توجه و تحلیل قرار می‌گیرند. اثبات این‌گونه از قیاس‌ها نیز بر گونه دیگر قیاس اقترانی شرطی-حملی یعنی قیاس‌های با اشتراک در تالی استوار است. بر این اساس تأکید اصلی ما بر قیاس‌های اقترانی شرطی-حملی با اشتراک در تالی خواهد بود.

در اغلب کتاب‌های معاصر اشاره‌ای به قیاس‌های اقترانی با مقدمه‌ای شرطی و مقدمه‌ای حملی نشده است. در برخی کتاب‌ها هم تنها به ذکر چند نمونه بسنده شده [Rahmani, 2009: 311]. برخی نیز به طرح قیاس‌های اقترانی شرطی-حملی با اشتراک در تالی بسنده نموده‌اند و در باب قیاس‌های اقترانی شرطی-حملی با اشتراک در مقدم چیزی نگفته‌اند [Hakkak, 2007: 228]. برخی نیز این بحث را به صورت کامل ارائه داده‌اند [Soleymani Amiri, 2012: 161]. در این میان همه کسانی که قیاس‌های شرطی-حملی با اشتراک در تالی را به صورت کامل معرفی نموده‌اند، شرایط یکسانی را برای آن بیان کرده‌اند. بر پایه نظر آنها شرایط این قیاس ایجاب متصله و منتج‌بودن قیاسی است که از تالی متصله و مقدمه حملی حاصل می‌شود.

تعارض میان تقسیم‌بندی سه‌گانه قضایا و قیاس‌های (اقترانی یا استثنائی) شرطی-حملی

اکنون مقدمات لازم را برای نشان‌دادن تعارضی که قصد معرفی آن را داشتیم، فراهم شده است. فرض کنید که یک شرطی جزئیه متصل در کنار یک حملی موجبه کلیه به صورت زیر، در کنار هم قرار بگیرند.

گاهی اگر هر الف ب است آنگاه P.

هر الف ب است.

در اینجا "هر الف ب است" یک قضیه حملی خارجیه است. در این صورت، این دو قضیه بر پایه نظر بسیاری از منطق‌دانان معاصر می‌توانند قیاسی استثنائی تشکیل دهند[۸]. اکنون اجازه دهید برای مقدمه، حملی موجبه کلیه خارجیه شرایط خاصی را در نظر بگیریم. فرض کنید حکم ذکرشده در این قضیه شامل همه افراد محقق موضوع در زمان حال گذشته و آینده باشد، اما بتوان افراد مفروض را برای موضوع قضیه حملی در نظر گرفت که این حکم برای این افراد برقرار نباشد؛ در چنین وضعیتی، صدق قضیه حملی موجبه کلیه خارجیه مورد بحث نه در همه زمان‌ها و حالت‌ها که محدود به برخی از زمان‌ها و حالت‌ها است. به عبارتی اگر بخواهیم سوری زمانی-حالتی را به این قضیه موجبه کلیه حملی اضافه کنیم، سوری جزئی خواهد بود. اکنون به مقدمه شرطی توجه کنید. با توجه به جزئیه‌بودن شرطی هیچ دلیل و الزامی وجود ندارد که شرایطی که در آن مقدمه شرطی صادق است، همان شرایطی باشد که در آن مقدمه حملی خارجیه مورد بحث صادق است. پس می‌توان تصور کرد که قضیه شرطی موجبه جزئیه‌ای وجود داشته باشد که در کنار قضیه حملی موجبه کلیه خارجیه‌ای (که مطابق مقدم شرطی باشد) قرار بگیرند، اما این دو در هیچ حالت یا زمانی با هم صادق نباشند و نتوانند در کنار هم قیاسی را تشکیل دهند؛ به این ترتیب به‌نظر می‌رسد در شرایط قیاس استثنائی ذکر کلی‌بودن قضیه حملی باید با توجه به خارجیه، حقیقیه یا ذهنیه‌بودن قضیه حملی بازنویسی شود.

در باب قیاس‌های اقترانی شرطی-حملی نیز مشکل مورد بحث برقرار است[۹].

فرض کنید یک شرطی جزئیه متصل در کنار یک حملی موجبه کلیه خارجیه قرار بگیرد که ساختار زیر را داشته باشد:

گاهی اگر P آنگاه هر الف ب است.

هر ب ج است.

مطابق نظر منطق‌دانان معاصر این دو جمله می‌توانند قیاسی تشکیل داده و به نتیجه زیر برسند:

گاهی اگر P آنگاه هرالف ج است.

اکنون اگر قضیه حملی "هر ب ج است" خارجیه باشد، مشابه مورد ذکرشده در باب قیاس‌های استثنائی می‌توان تصور کرد که شرایط و احوالی که در آن این قضیه خارجیه صادق است، متفاوت از شرایط و احوالی باشد که قضیه شرطی جزئیه در آن‌ها صادق است که بدین ترتیب تشکیل قیاسی از این دو قضیه به‌صورت ذکرشده ممکن نخواهد بود.

نتیجه‌گیری

بحث در باب شرطیات و همچنین تقسیم قضایا به حقیقیه، خارجیه و ذهنیه دو بحث مستقل در تاریخ منطق اسلامی است که در دوران‌های گذشته و در دو مسیر مستقل، جداگانه پیش رفته‌اند. قیاس‌هایی با مقدمه‌ای شرطی و مقدمه‌ای حملی از معدود مواردی است که این دو بحث با هم پیوند می‌خورد.

گرچه بسیاری از معاصران بیانی مشابه در باب تقسیم‌بندی قضایا به حقیقیه، خارجیه و ذهنیه دارند اما اختلافات درباره آن نیز اندک نیست. در باب ماهیت، مقسم و تعداد قسمت‌های این تقسیم‌بندی توافق مطلقی وجود ندارد، اما در مجموع می‌توان این مدعا را مقبول دانست که محدوده و حالت‌های صدق یک گزاره حقیقیه فراتر و بزرگ‌تر از یک گزاره خارجیه است که این امر بر شرایط قیاس‌های (اقترانی و استثنائی) شرطی-حملی تاثیر می‌گذارد.

در سنت منطق نزد مسلمین، طرح شرطی مسور با ابن‌سینا آغاز می‌شود و تاریخی طولانی و پربحث دارد. در میان معاصرین گرچه برخی شرطی‌ها را بدون سور معرفی می‌کنند، اما از زاویه سنت منطق سینوی هیچ نقدی به سور در شرطی‌ها وارد نشده است و معدود بحث‌های انتقادی نیز بر مبنای سنت منطق جدید شکل گرفته است. بسیاری از معاصرین بحث از سور شرطی را در شرایط قیاس استثنایی وارد کرده‌اند و معدود افرادی که از قیاس‌های اقترانی شرطی-حملی نام برده‌اند، تاثیر سور شرطی را در شرایط این قیاس‌ها کاملاً پذیرفته‌اند. با این همه هیچکس از تاثیر تقسیم‌بندی قضایا به خارجیه، حقیقیه و ذهنیه بر شرایط این قیاس‌ها سخن نمی‌گویند.

با تحلیل دقیق شرایط قیاس‌های (اقترانی و استثنائی) شرطی-حملی می‌توان نشان داد که در پاره‌ای از موارد بهره‌گیری از قضایای خارجیه به عنوان مقدمه حملی در این قضایا می‌تواند به عقیم‌شدن ضروبی انجامد که مطابق شرایط اعلام‌شده توسط معاصرین درباب این قیاس‌ها منتج هستند و این بدان معناست که در بیان شرایط قیاس‌های (اقترانی و استثنائی) شرطی-حملی ذکر خارجیه، حقیقیه یا ذهنیه‌بودن مقدمه حملی ضروری است.

تشکر و قدردانی: موردی برای گزارش وجود ندارد.
تاییدیه اخلاقی: موردی برای گزارش وجود ندارد.
تعارض منافع: موردی برای گزارش وجود ندارد.
سهم نویسندگان: علی‌رضا دارابی (نویسنده اول)، نگارنده/پژوهشگر اصلی (۱۰۰%)
منابع مالی: موردی برای گزارش وجود ندارد.

منابع

- Darabi A (2010). An analysis of cogent conditional quantifier based upon modern logic. Logical Studies. 1(1):27-56. [Persian]
- Darabi A (2021). Conditional-predicative conjunctive syllogisms and division of propositions into actuality, mental and factual. Philosophical Investigations. 25(38):57-76. [Persian]
- Ejeii M (1987). Conditional propositions and their truth and falsehood. MAARIF. 4(10):165-183. [Persian]
- Ejeii M (1998). The elements of logic. Tehran: SAMT. [Persian]
- Fallahi A (2012). Al-Khunaji on the conversion of the verity propositions. Logical Studies. 3(6):65-81. [Persian]
- Fallahi A (2013). Avicenna's views on the deduction from two possible propositions and their relation with two definitions of verity- and actuality- propositions. AYENEH MAREFAT. 13(35):58-76. [Persian]

- Faramarz Gharamaleki A (1994). Logic 1. Tehran: Payame Noor University. [Persian]
- Faramarz Gharamaleki A (1995). Logic 2. Tehran: Payame Noor University. [Persian]
- Faramarz Gharamaleki A, Ebadi A (2010). Historical development of triadic propositions. Iranian Journal for Philosophy and Kalam. 43(1):69-89. [Persian]
- Gharavian M (2010). Teaching logic. Qom: Dar Al-Alam. [Persian]
- Hakkak M (2007). Logic: criterion of thinking. Tehran: SAMT. [Persian]
- Ḥelli H (2012). (Al-Jawhar al-Nażid). Bidarfar M, editor. Qom: BIDAR. [Arabic]
- Hodjati M, Darabi A, Nabavi L (2015). A critical examination of the six views on inference conditions of exceptive syllogism in Avicennian logic (with emphasis on connected conditional). Avicennian Philosophy Journal. 19(53):91-110. [Persian]
- Ibn Sīnā (2017). (Al-Išārāt wa-t-Tanbīhāt). Shahabi M, editor. Tehran: Tehran University. [Arabic]
- Izadi M, Darabi A (2011). A Critical pondering in using second-order quantifier in analyzing cogent conditional. Logical Studies. 2(3):1-23. [Persian]
- Khansari M (2011). Formal logic. Tehran: Didar. [Persian]
- Kurdi M (2002). Factual, actuality, and mental propositions. Qom: Mohamad Kourdi. [Persian]
- Malikshahi H (1988). Translation and commentary of Išārāt wa- Tanbīhāt. Tehran: Soroush. [Persian]
- Meshkat Aldini A (1981). New logic. Tehran: Agah. [Persian]
- Montazeri Moghaddam M (2016). An introduction to logic. Qom: Qom Seminary, Management Center. [Persian]
- Montazeri Moghaddam M (2016). Knowledge of logic. Qom: Qom Seminary, Management Center. [Persian]
- Motahari M (2014). Collection of works. 10th Volume. Tehran: Sadra. [Persian]
- Movahed Z (1993). The Ibn-Sina's theory of the conditional syllogism. MAARIF. 10(28):3-20. [Persian]
- Muzaffar M (2012). Logic. Qom: Islamic Publications Office. [Persian]
- Rahmani G (2009). Teaching logic. Tehran: Safineh. [Persian]
- Rāzī M (2005). (Tahrir al-Qawā'id al-Mantiqiyya fi Sharh al-Risāla al-Shamsiyya). Bidarfar M, editor. Tehran: Bidar. [Arabic]
- Shahabi M (1989). Wisdom leader. Tehran: Khayyam. [Persian]
- Shirvani A (2012). Introduction to logic. Qom: Dar Al-Alam. [Persian]
- Soleymani Amiri A (1999). Nature of universality and necessity. Qom: The Center of Publication of the Office of Islamic Propagation of the Seminary of Qom. [Persian]
- Soleymani Amiri A (2011). Knowledge criterion. 1st Volume. Qom: The Imam Khomeini Education and Research Institute. [Persian]
- Soleymani Amiri A (2012). Knowledge criterion. 2nd Volume. Qom: The Imam Khomeini Education and Research Institute. [Persian]
- Soleymani Amiri A (2014). Sadrain logic. Qom: Hikmat-e-Islami. [Persian]
- Tusi M (1988). (Asās al-Eqtibās). Modarres Razavi M, editor. Tehran: Tehran University. [Persian]

پی‌نوشت

[۱] برای نمونه‌ای از بررسی تاثیر تقسیم‌بندی قضایا به حقیقیه و خارجیه بر قواعد منطقی از نظر منطق‌دانان پیشین نک [Fallahi, 2012]

[۲] از آنجا که در پژوهش حاضر، مدعای ما وجود ناسازگاری بین نظریه تقسیم قضایا به خارجیه، ذهنیه و حقیقه و همچنین پاره‌ای قیاس‌های موجود در منطق سنتی است، ناچار باید آراء منطق‌دان معاصر در باب این تقسیم‌بندی را بررسی نموده و شباهت‌ها و تفاوت‌های نظرات آنان را استخراج نماییم. البته گرچه بررسی ما در مقاله حاضر محدود به کتاب‌هایی با موضوع منطق بوده است، اما ردپای این بحث در آثار فلسفی و متون اصول فقه نیز دیده می‌شود. با این همه، از آنجا که اغلب نویسندگان کتب منطقی با متون فلسفی یا اصول فقهی آشنا هستند، می‌توان انتظار داشت که همه اختلافات موجود در باب قضایای خارجیه، ذهنیه و حقیقیه در تالیفات منطقی بازتاب‌یافته باشد و بر این اساس، بسنده‌کردن به متون منطقی معاصر قابل دفاع به نظر می‌رسد.

[۳] باید توجه داشت که بیان همدلانه با تقسیم‌بندی سه‌بخشی نیز در آثار بعدی فرامرز قراملکی و سلیمانی امیری دیده می شود [Faramarz Gharamaleki, Ebadi, 2008; Soleymani Amiri, 2011: 267; 2014: 177]

[۴] بیان تفاوت‌های ذکرشده بدان معنا نیست که نمی‌توان تفسیری سازگار از برخی از این آراء متفاوت ارائه داد. باید توجه داشت که در متن حاضر، هدف ما بررسی تاثیر تقسیم‌بندی قضایا به حقیقیه، خارجیه بر قیاس‌های منطقی در آثار معاصرین است. در راستای این هدف توجه به شباهت‌های موجود در میان آراء منطق‌دانان معاصر در باب این تقسیم‌بندی کفایت می‌کند و به همین دلیل، ضرورتی به تحلیل دقیق‌تر در این باب (حداقل در متن حاضر) وجود ندارد.

[۵] بدیهی است که نمی‌توانیم مدعی شویم که تمام متون معاصرین را در متن حاضر بررسی کرده‌ایم، اما تلاش شده است که متون انتخاب‌شده نظرات همگی معاصران را در موضوع مورد بحث بازتاب داده باشند.

[۶] این بدان معنی نیست که تقسیم‌بندی مورد بحث تاثیری بر بقیه قیاس‌های منطقی نمی‌گذارد، بلکه برای اثبات مدعای ما بررسی قیاس‌هایی با مقدمه‌ای شرطی و مقدمه‌ای حملی کفایت می‌کند. بررسی امکان بسط مدعای حاضر به بقیه قیاس‌ها می‌تواند مبنای پژوهشی دیگر قرار بگیرد.

[۷] شرطی در قیاس‌های اقترانی مورد بحث می‌تواند متصل یا منفصل باشد. در متن حاضر به بررسی قیاس اقترانی با مقدم متصل بسنده نموده‌ایم؛ چرا که با توجه به تلازم موجود میان شرطی متصل و منفصل، مدعیات حاضر قابل بسط به قیاس‌های اقترانی شرطی-حملی با مقدمه منفصل نیز خواهد بود. در این بخش مراد از شرطی، شرطی متصل است.

[۸] همچنان که در متن مقاله بیان گردید، بحث تقسیم‌بندی قضایا به حقیقیه، خارجیه و ذهنیه شامل قضایای شرطی نمی‌گردد. در تحلیل قیاس‌های شامل شرطی‌ها لازم است که به سور شرطی توجهی ویژه داشته باشیم. ارائه تحلیل دقیقی سور شرطی از مجال مقاله حاضر فراتر است. بر این اساس، برای مطالعه تحلیل دقیق‌تری از این موضوع به مقالات [Darabi, 2010; Izadi & Darabi, 2011] مراجعه نمایید. همچنین برای بررسی تاثیر سور بر قیاس‌های استثنائی بنگرید به [Hodjati *et al.*, 2015].

[۹] در مقاله حاضر، تاثیر تقسیم‌بندی قضایا به خارجیه، ذهنیه و حقیقیه بر شرایط برخی از قیاس‌ها در آراء معاصرین بررسی شده است. برای بررسی همین موضوع در آراء قدما و به ویژه ابن‌سینا بنگرید به [Darabi, 2010].